



بحران در بحران

(نقد و بررسی کتاب بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی
استعلایی ادموند هوسرل، ترجمه غلام عباس جمالی)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علی رضا صادقی

رساله جامع علوم انسانی

دیرزمانی بود که دانشجویان و مشتاقان فلسفه چشم انتظار چاپ ترجمه ای از کتاب بحران هوسرل بودند. اینک ما ترجمه ای از این کتاب را در دست داریم که در واقع ترجمه دو فصل اول این کتاب است. با وجود این، به جرأت می‌توان گفت که ترجمه فارسی این کتاب نتوانسته است حداقل ترین معیارهایی را که برای ترجمه یک کتاب، به ویژه کتاب فلسفی، لازم است برآورده سازد. لازم است توضیح بیشتری در این باره ارائه دهیم. هنگامی که ما با متنی روبرو هستیم، به ویژه متنی که به ترجمه درآمده است، در وهله اول انتظار داریم که این متن در زبان مقصد، متنی منقح و ویراسته شده باشد. چنین ملاکی را می‌توان "ملاک ویرایش" نامید. علاوه بر این، متن ترجمه شده باید کامل باشد. منظور نگارنده این است که مترجم باید تمام متن مورد نظر خود را ترجمه کند و نباید عبارات و جملات را به عمد یا سهو حذف نماید. این ملاک را می‌توان "ملاک کامل بودن" نامید. افزون بر این، ترجمه متن باید با متن اصلی تطابق داشته باشد و مترجم باید معنایی را به خواننده منتقل نماید که از جملات مستفاد می‌شود. این ملاک را می‌توان "ملاک صحت" نامید. براین اساس، روشن است که: اگر با متنی روبرو شویم که بسیاری از جملات آن اشتباه ترجمه شده باشد، به طوری که فهم متن را دچار تناقض نماید، آن گاه می‌توانیم بگوییم که چنین ترجمه ای از "ملاک صحت" برخوردار نیست.



بحران علوم اروپایی
ادموند هوسرل،
ترجمه غلام عباس جمالی،
گام نو، ۱۳۸۸



ملاک دیگر، "ملاک انسجام" است، بدین معنا که متن باید از یک همبستگی معنایی برخوردار باشد، یعنی رابطه میان عبارات، جملات و بندها باید کاملاً حفظ شود.

هنگامی که این چهار ملاک را برای ارزیابی کتاب فوق به کار می‌بریم، درمی‌یابیم که این کتاب از برآورده کردن این معیارها ناتوان است. بر طبق ملاک نخست (یعنی ملاک ویرایش) می‌توان گفت که این کتاب مملو از اشکالات ویرایشی است. اگر بگوییم که هیچ صفحه‌ای از کتاب را نمی‌توان یافت که در آن به لحاظ ویرایشی، اشکالی وجود نداشته باشد، چندان اغراق نکرده‌ایم. این اشکالات را حتی در قسمت مشخصات کتاب و در صفحه‌ای نیز که به ناشر اختصاص دارد می‌توان یافت. در مجموع با متنی روبرو هستیم که زبان فارسی را به زبانی فهم ناپذیر و دسترس ناپذیر تبدیل کرده است، یعنی گاه نگارش یک کلمه اشتباه است (مثلاً هوسرل به صورت هوسرل و پدیدارشناسی به صورت "پدیدارشناسی" و "پدیدارشناسی" نوشته می‌شود)، گاه در یک جمله با سه زمان روبرو می‌شویم و همزمان به گذشته و حال و آینده سفر می‌کنیم. گاه نیز پیش می‌آید که جملات ما را به عدم می‌برند زیرا دارای فعل و زمان نیز نیستند؛ گاه پیش می‌آید که یک جمله را بارها می‌خوانیم و درمی‌یابیم که جمله اشکال دارد، اما نمی‌دانیم این اشکال در کجا نهفته است (مثلاً این جمله را در نظر بگیرید: "اما چگونه می‌توان جدا از بحران علوم و... سخن گفت"، در اینجا جدا به صورت "جدا" تایپ شده است).

بر طبق ملاک دوم (ملاک کامل بودن متن) می‌توان گفت که کتاب فوق از این نظر کامل نیست. منظور نگارنده این نیست که: از آن جایی که مترجم تمام کتاب بحران علوم هوسرل را ترجمه نکرده و تنها به ترجمه دو فصل اکتفا کرده است، پس کتاب وی ناقص است. منظور نگارنده این است که همین دو فصل نیز به صورت کامل ترجمه نشده است. جملات بسیاری را می‌توان یافت که مترجم به عمد یا به سهو آنها را ترجمه نکرده است. به طور کلی در فصل اول تقریباً ۳۰-۲۰ سطر از متن انگلیسی ترجمه نشده است که این موارد بر دو گونه هستند: یا جملاتی مستقل هستند و یا بخشی از یک جمله می‌باشند. (مثلاً اولین جمله در بند ۱ § ترجمه نشده است) بر طبق ملاک سوم (ملاک صحت ترجمه) می‌توان گفت که کتاب فوق، چندان با متن انگلیسی مطابقت ندارد. از چند لحاظ می‌توان ادعای فوق را تأیید کرد.

۱. برخی از اصطلاحات فلسفی، نادرست ترجمه شده‌اند. (مثلاً ideal (آرمان)، "ایده‌ها" و world-view (جهان بینی)، "چشم انداز جهانی" ترجمه شده است).
 ۲. جملات بسیاری وجود دارند که اشتباه ترجمه شده‌اند.
 ۳. عبارات و جملاتی به متن اضافه شده‌اند که در متن انگلیسی وجود ندارند.
- بر طبق ملاک چهارم (ملاک انسجام) می‌توان گفت که کتاب فوق به صورت یک کل دارای انسجام معنایی نیست. (در ذیل به صورت مفصل به این مسئله اشاره خواهم نمود).

نگارنده برای بررسی دقیق تر ملاک‌های فوق، فصل اول متن انگلیسی (ص ۱۸-۳) و متن فارسی کتاب بحران (ص ۸۲-۵۹) را تطبیق داده و مقایسه نموده است. این تطبیق براساس متن انگلیسی و فارسی ذیل صورت گرفته است:

Husserl, Edmund. The Crisis of European Sciences Transcendental Phenomenology. An Introduction to Philosophical Philosophy. Trans. David Carr. Evanston. Northwestern University Press, 1970

هوسرل، ادوموند. بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی، ترجمه غلام عباس جمالی، تهران: انتشارات گام نو، چ ۱، ۱۳۸۸

- این نقد و بررسی دارای ۲ بخش است. بخش اول شامل تطبیق و بررسی موارد ذیل می‌شود:
۱. جملاتی که در متن انگلیسی وجود دارند ولی اصلاً ترجمه نشده‌اند. (تنها برخی از این جملات ذکر شده‌اند)
 ۲. جملاتی که اشتباه ترجمه شده‌اند. (تنها برخی از این موارد بیان شده‌اند)
- و بخش دوم شامل موارد ویرایشی می‌گردد.

بخش اول

I.I expect that at this place, dedicated as it is to the sciences, the very title of these lectures, "The Crisis of European Sciences and Psychology", will incite controversy.(p. 3)

این جمله اصلاً ترجمه نشده است.



ترجمه نگارنده: [پیشاپیش] انتظار دارم که عنوان این سخنرانی‌ها، یعنی "بحران علوم اروپایی و روان‌شناسی"، در این مکانی که وقت خود را صرف علوم کرده است، اعتراضی را برانگیزد.

2. After all, the crisis of a science indicates nothing less than that its genuine scientific character, the whole manner in which it has set its task and developed a methodology for it, has become questionable. This may be true of philosophy, which in our time threatens to succumb to skepticism, irrationalism, and mysticism. The same may hold for psychology, insofar as it still makes philosophical claims rather than merely wanting a place among the positive sciences. (p.3)

ترجمه فارسی (ص ۵۹): علی‌رغم آن، کمترین چیزی که بحران علم نشان می‌دهد این است که منش علمی اصیل آن و کل روشی که مربوط به وظیفه و روش‌شناسی توسعه آن است موضوع پرسش قرار می‌گیرد. این حقیقتی فلسفی است که زمان ما تهدید به تسلیم در برابر شکاکیت، عقل‌ستیزی و عرفان است. این همان امکانی است که روان‌شناسی فراهم آورده است، تا آن‌جا که هنوز دعوی فلسفی دارد، به جای این که صرفاً جایگاه خویش را میان علوم مثبت جستجو کند.

ترجمه نگارنده: بحران علم البته هیچ دلالتی جز این ندارد که خصلت علمی اصیل و کل شیوه علم مورد پرسش قرار گرفته است، شیوه‌ای که علم مسئله خودش را طرح کرده و روش‌شناسی خود را برای این مسئله به وجود آورده است. این موضوع می‌تواند درباره فلسفه صادق باشد، فلسفه‌ای که البته در عصر کنونی به خاطر شک‌گرایی، خردستیزی و رازگرایی در خطر نابودی است. همچنین تا آنجا که روان‌شناسی هنوز ادعاهای فلسفی را مطرح می‌کند و اصلاً نمی‌خواهد علمی در ذیل علوم تحصیلی باشد، این موضوع می‌تواند درباره روان‌شناسی نیز صادق باشد. تفسیر: هوسرل در پاسخ به این پرسش که "آیا واقعا بحران علوم وجود دارد؟" به طور خلاصه در جملات فوق، ۳ گزاره زیر را مطرح می‌کند:

۱. ویژگی "علمی بودن" علم و روش علم مورد پرسش قرار گرفته است.
۲. فلسفه و روش آن نیز مورد پرسش قرار گرفته است.
۳. روان‌شناسی و روش آن نیز (تا آنجا که ادعاهای فلسفی را مطرح می‌کند) مورد پرسش قرار گرفته است.

اما مترجم فارسی، ۳ گزاره فوق را به صورت جملات ذیل در آورده است:

۱. منش علمی اصیل علم و روش آن مورد پرسش قرار گرفته است.
۲. زمان ما تهدید به تسلیم در برابر شکاکیت، عقل‌ستیزی و عرفان است.
۳. روان‌شناسی این امکان را فراهم آورده است.

آشکار است که مترجم اساساً رابطه میان سه گزاره فوق را در نیافته است. اگر چه گزاره ۱ نگارنده و گزاره ۱ مترجم یکسان است اما گزاره‌های ۲ و ۳ هیچ ربطی به یکدیگر ندارند. از سوی دیگر، عبارت "This may be true of philosophy" و "The same may hold for psychology" به اشتباه "این حقیقتی فلسفی است" و "این همان امکانی است که روان‌شناسی فراهم آورده است" ترجمه شده است.

3. But does the victorious struggle against the ideal of classical physics, as well as the continuing conflict over the appropriate and genuine form of construction for pure mathematics, mean that previous physics and mathematics were not yet scientific or that they did not, even though affected with certain unclarities or blind spots, obtain convincing insights within their own field of endeavor? Are these insights not compelling even for us who are freed from such blind spots? (p. 4)

ترجمه فارسی (ص ۵۹ و ۶۰): اما این جدال‌های پیروزمندانه در برابر ایده‌های فیزیک کلاسیک و نیز تداوم ناسازگاری در برابر روش و ساختمان اولیه و اصیل ریاضیات محض، به این معنی نیست که فیزیک قبل، یعنی فیزیک کلاسیک و ریاضیات آن دوره، غیر علمی هستند. آیا فیزیک کلاسیک علی‌رغم این که خدمات ارزنده‌ای به دانش بشر کرده، توانسته است جایگاه متقاعد کننده‌ای در عرصه کوشش‌های جدید به دست آورد؟ آیا این بدان معنا نیست که چنین بینش‌هایی که ما را مجبور به پذیرش قطعی و نهایی خود کنند وجود ندارند، حتی چنین جایگاه



و مقامی برای بینش‌هایی که خویشتن را از هر گونه نقطه نظر جزمی رها کرده اند محال می‌نماید؟ ترجمه نگارنده: اما آیا نبرد پیروزمندانه علیه آرمان فیزیک کلاسیک و همین طور مناقشه دنباله دار درباره شکل بازسازی مناسب و اصیل ریاضیات محض بدین معناست که فیزیک و ریاضیات پیشین، تاکنون علمی نبوده اند یا بدین معناست که آنها، به رغم این که ابهام‌ها یا نقاط ضعفی را دربردارند، هنوز در حوزه فعالیتشان بینش‌های قانع کننده ای را به دست نیاورده اند؟ آیا این علوم حتی برای ما که از چنین نقاط ضعفی رها شده ایم بینش‌های قانع کننده و مستحکمی نیستند؟

در این مورد، چند نکته قابل توجه است.

1. The ideal، "ایده‌ها" ترجمه شده است.

2. The continuing conflict، "تداوم ناسازگاری" ترجمه شده است، در حالی که continuing

صفت conflict است.

۳. در متن فارسی، عباراتی وجود دارد که در متن انگلیسی دیده نمی‌شود نظیر "روش"، "آیا فیزیک کلاسیک علی رغم این که خدمات ارزنده ای به دانش بشر کرده، توانسته است جایگاه متقاعد کننده‌ای در عرصه کوشش‌های جدید به دست آورد؟" و "حتی چنین جایگاه و مقامی برای بینش‌هایی که خویشتن را از هر گونه نقطه نظر جزمی رها کرده اند محال می‌نماید؟".

۴. جمله انگلیسی، سؤالی است. با وجود این، مترجم این جمله را به صورت جمله خبری ترجمه کرده است.

عبارت

"even though affected with certain unclarities or blind spots"

نیز به فارسی ترجمه نشده است.

با توجه به این مورد می‌توان گفت که ۱. متن به صورت کامل و ۲. به درستی، ترجمه نشده است.

4. The situation is clearly similar in regard to another large group of sciences customarily counted among the positive sciences, namely, the concrete humanistic sciences, however it may stand with their controversial reference back to the ideal of exactness in the natural sciences – a difficulty, incidentally, which concerns even the relation of the biophysical ("concrete natural-scientific") disciplines to those of the mathematically exact natural sciences. (p. 4)

ترجمه فارسی (ص ۶۰): این وضع بوضوح به گروه بزرگ دیگری از علوم که به طور معمول در زمره علوم مثبت قرار گرفته اند، یعنی علوم انسانی انضمامی، مشابه است. به هر حال این تشابه و به خصوص قرائت علوم انسانی به علوم مثبت بر استنتاج جدلی، که به ایده آل دقت در علوم طبیعی بازمی‌گردد، مبتنی است.

ترجمه نگارنده: چنان که پیداست، مشابه همین امر درباره گروه عظیم دیگری از علوم، که طبق معمول آنها را جزء علوم تحصلی به حساب می‌آوریم، یعنی برای علوم انسانی انضمامی صادق است، اما ممکن است این علوم نسبت مناقشه برانگیزی با آرمان دقت علوم طبیعی داشته باشند – [یعنی] مشکلی که در ضمن حتی شامل نسبت رشته‌های بیوفیزیکی (رشته‌هایی که به طور انضمامی علمی طبیعی هستند) با رشته‌های علوم طبیعی نیز که به لحاظ ریاضی دقیق اند می‌شود.

نکات:

۱. مترجم در این مورد نیز عبارت ذیل را ترجمه نکرده است:

a difficulty, incidentally, which concerns even the relation of the biophysical ("concrete natural-scientific") disciplines to those of the mathematically exact natural sciences.

۲. عبارت‌های "قرائت علوم انسانی"، "استنتاج جدلی" در جمله انگلیسی وجود ندارد.

5. But generally we let psychology strand, attributing its obvious retardation of method and accomplishment to a naturally slower development. (p.4)

این جمله ترجمه نشده است.

6. The exclusiveness with which the total world-view of modern man, in the second



half of the nineteenth century, let itself be determined by the positive sciences and be blinded by the "prosperity" they produced, meant an indifferent turning-away from the questions which are decisive for a genuine humanity. Merely fact-minded sciences make merely fact-minded people. (pp. 5-6)

ترجمه فارسی (ص ۶۲): بالاخص با عنایت به این نکته که کلیت چشم انداز جهانی انسان مدرن در نیمه دوم قرن نوزدهم به سبب موفقیت‌های علوم تحصلی کور شد و خویش را تسلیم این علوم کرد، بنابراین توسط آنها تشخیص و تعیین یافت. این علوم وضعیتی را خلق کردند که در آن پرسش‌هایی که برای بشریت اصیل نتایج ویژه‌ای را در برداشت و حاکی از بُعد وسیع و توانایی انسان در اندیشیدن بود، به کناری گذاشته شد و به محاق فراموشی سپرده شد. آن گونه که انسان به این پرسش‌ها نه تنها لاقید گردید، بلکه پرسیدن را در وادی غیر تحصلی بی معنا شمرد. در این وضعیت، علوم چون صورت‌های ذهنی واقعیت قلمداد شد و انسان‌هایی را آفرید که ذهن آنها تنها متشکل از همین صورت‌ها است که از واقعیت برگرفته شده است و هر تفکری فرع بر آنها و نتیجه آنها است.

ترجمه نگارنده: این انحصاری و مطلق بودن، که کل جهان بینی انسان مدرن بواسطه آن در نیمه دوم قرن ۱۹ تحت تأثیر علوم تحصلی قرار گرفت و فریب "سعادت" را خورد که آنها به وجود آورده بودند، به معنای رویگردانی علی السویه از پرسش‌هایی بود که برای بشریت اصیل، پرسش‌هایی تعیین کننده اند. علمی که صرفاً به امور واقع می‌پردازند، انسان‌هایی را به وجود می‌آورند که صرفاً به امور واقع می‌پردازند.

در این مورد، کاملاً آشکار است که مترجم به ترجمه متن پایبند نبوده و علاوه بر این، جملاتی را اضافه نموده است که در متن انگلیسی وجود ندارد.

7. In our vital need – so we are told – this science has nothing to say to us. It excludes in principle precisely the questions which man, given over in our unhappy times to the most portentous upheavals, finds the most burning: questions of the meaning or meaninglessness of the whole of this human existence. (p.6)

ترجمه فارسی (ص ۶۲): ما می‌گوییم این علوم درباره نیازهای بسیار مهم و ضروری ما چیزی ندارند به ما بگویند. پرسش‌هایی را که انسان چون سوزاننده ترین پرسش می‌باید صرف نظر می‌کند. پرسش‌هایی خواه دارای معنی یا بدون معنی که مربوط به کلیت وجود این انسان هستند. این پرسش‌ها در زمان ناخوشحالی ما در قالب بدشگون ترین شکل‌ها متوقف شد.

ترجمه نگارنده: به ما می‌گویند که این علم در هنگام سختی‌های زندگی مان، هیچ چیزی برای گفتن ندارد. علم دقیقاً پرسش‌هایی را اساساً نادیده می‌گیرد که برای انسان‌هایی که در عصر نابسامان ما در معرض سرنوشت سازترین انقلاب‌ها قرار گرفته اند، پرسش‌هایی حیاتی اند: پرسش‌هایی در باب بامعنا یا بی معنا بودن کل این وجود انسانی.

اشتباهات مترجم کاملاً واضح است.

۱. در اینجا عبارت "we are told" "ما می‌گوییم" و

۲. عبارت "this science" "این علوم" ترجمه شده است.

۳. عبارت "پرسش‌هایی را که انسان چون سوزاننده ترین پرسش می‌باید صرف نظر می‌کند"، نامفهوم و بی معنا است. منظور هوسرل این است که "علم دقیقاً پرسش‌هایی را اساساً نادیده می‌گیرد که برای انسان‌ها پرسش‌هایی حیاتی اند."

۴. درباره این مورد می‌توان گفت که: الف) جملات، ویرایش نشده اند. ب) جملات اشتباه ترجمه شده اند و هیچ ربط منطقی نیز به یکدیگر ندارند.

8. As for the humanistic sciences, on the other hand, all the





special and general disciplines of which treat of mans spiritual existence, that is, within the horizon of his historicity: their rigorous scientific character requires , we are told, that the scholar carefully exclude all valuative positions, all questions of the reason or unreason of their human subject matter and its cultural configurations.(p.6)

ترجمه فارسی (ص ۶۳): از طرف دیگر علوم انسانی و همه نظام‌های کلی و خاص، که وجود روانی انسان را در درون افق تاریخی اش ملاحظه می‌کنند چیزی ندارند به ما بگویند. منش تحقیقات علمی این علوم دقیقاً به نحوی ماهرانه همه شرایط ارزشی همه پرسش‌های عقلی و غیرعقلی مربوط به جستارمایه انسانی و وضعیت‌های فرهنگی را به کناری می‌گذارد.

ترجمه نگارنده: از سوی دیگر، تا آن جا که به علوم انسانی مربوط می‌شود - علمی که تمام رشته‌های خاص و عام آن به وجود روحی انسان می‌پردازند، یعنی او را از افق تاریخ مندی [می‌نگرند] - به ما می‌گویند که خصلت علمی متقن این علوم مستلزم این است که پژوهشگر، تمام موضع گیری‌های ارزش گذارانه، تمام پرسش‌های مربوط به عقل و بی عقلی محتوای بشری آنها و صورتبندی‌های فرهنگی آن را به دقت کنار گذارد.

۱. این بار عبارت "we are told" چیزی ندارند به ما بگویند" ترجمه شده است.

۲. عبارت

their rigorous scientific character requires , we are told, that the scholar carefully exclude all valuative positions, ...

به درستی و به صورت کامل ترجمه نشده است.

۳. عبارت "all the special and general disciplines of which" که به معنای تمام رشته‌های

خاص و عام علوم انسانی است به صورت "همه نظام‌های کلی و خاص" ترجمه شده است.

۴. به لحاظ معنایی، جمله ترجمه شده دارای تناقض است.

9. And theoretical autonomy is followed by practical autonomy.(p.8)

این جمله ترجمه نشده است.

10. According to the guiding ideal of the Renaissance, ancient man forms himself with insight through free reason. (p.8)

ترجمه فارسی (ص ۶۵): انسان اروپایی براساس ایده آل هدایت کننده رنسانس، یعنی ایده آل یونانی، و براساس بینشی که مبتنی بر عقل آزاد است، خویش را شکل داد.

ترجمه نگارنده: بر طبق آرمان هدایت کننده رنسانس، انسان دوره باستان خود را با بصیرت از طریق عقل آزاد شکل داده بود.

در اینجا کاملاً آشکار است که "بر طبق آرمان هدایت کننده رنسانس، انسان دوره باستان خود را با بصیرت از طریق عقل آزاد شکل داده بود" و نه انسان اروپایی. در جمله انگلیسی عبارت "یعنی ایده آل یونانی" وجود ندارد.

11. In accordance with this ancient model, recognized at first only by individuals and small groups, a theoretical philosophy should again be developed which was not to be taken over blindly from the tradition but must grow out of independent inquiry and criticism.(p.8)

ترجمه فارسی (ص ۶۵): فلسفه نظری براساس سبک یونانی در ابتدا به وسیله افراد و گروه‌های کوچک بازشناسی و تصدیق شد. این فلسفه، سنتی غالب و مسلط که انسان با چشمانی کور از آن پیروی کند نمی‌باشد، بلکه توسعه فلسفه نظری مبتنی بر تحقیق مستقل و اصالت دادن به نقد آزاد است و به همین دلیل مصمم شدند تا این فلسفه را مجدداً موجودیت بخشند و چراغ راه خویش سازند.

ترجمه نگارنده: طبق این الگوی دوره باستان، که در آغاز تنها توسط [معدودی از] افراد و گروه‌های کوچکی پذیرفته شد، دوباره باید فلسفه نظری ای ایجاد شود که به نحو کورکورانه و سنت گرایانه نباید پذیرفته شود، بلکه باید از روی تحقیق و نقد مستقل از نو ایجاد شود.

نکات:

۱. روشن است که در عبارت فوق، "الگوی دوره باستان" و نه "فلسفه نظری" پذیرفته شده است.



۲. عبارت "به همین دلیل مصمم شدند تا این فلسفه را مجدداً موجودیت بخشند و چراغ راه خویش سازند." افزوده مترجم است که در متن انگلیسی وجود ندارد.

12. In the first centuries of the modern period – even though it changes not insignificantly as soon as it is taken up – it [the idea of philosophy] retain the formal meaning of the one all-encompassing science, the science of the totality of what is. (p.8)

ترجمه فارسی (ص ۶۵): فلسفه در آغاز دوره مدرن صرفاً گروهی از علوم را دربرمی‌گرفت. تا مدت‌ها فلسفه عبارت بود از علم تفصیلی و معطوف به مکتب هستی.

ترجمه نگارنده: اگر چه ایده فلسفه در قرون اولیه دوره جدید بلافاصله بعد از پذیرفته شدن، به نحوی نه چندان بی اهمیت تغییر می‌یابد، لیکن معنای صوری یک علم فراگیر، یعنی علم به هر آنچه که هست را حفظ می‌کند. نکات: در این مورد آشکار نیست که مترجم واقعا چه چیزی را ترجمه کرده، یعنی به جرات می‌توان گفت که مترجم جمله فوق را ترجمه نکرده است.

13. If man becomes a "metaphysical" or specifically philosophical problem, then he is in question as a rational being. (p. 9)

ترجمه فارسی (ص ۶۶): اگر انسان به انسانی متافیزیکی یا انسانی با مسائل فلسفی تبدیل می‌شود، او به انسان پرسشگر یعنی به موجود معقول تبدیل می‌شود.

ترجمه نگارنده: اگر انسان تبدیل به مسئله ای "متافیزیکی" یا تبدیل به مسئله به طور خاص فلسفی شود، آن گاه انسان به عنوان موجودی عقلانی و خردمند مورد بحث خواهد بود. نکات: در جمله انگلیسی، "metaphysical" و "philosophical" صفت مسئله هستند و نه صفت انسان. در ادامه نیز آشکار است که "in question" به "پرسشگر" ترجمه شده است و مترجم اساساً معنا و منظور جمله را دریافته است.

14. The failure of the new science after its initial success; the unclarified motive for this failure. (p.10)

ترجمه فارسی (ص ۶۸ عنوان بند ۴): شکست [فلسفه] از علم جدید پس از موفقیت‌های اولیه اش؛ علت روشن نشده این شکست.

ترجمه نگارنده: ناکامی علم جدید پس از موفقیت اولیه اش و انگیزه روشن نشده این ناکامی. نکته: در اینجا مترجم اصطلاح فلسفه را به صورت [فلسفه] آورده است. می‌توان گفت که تفسیر و برداشت مترجم از عبارت انگلیسی فوق و به طور کلی از این بند چنین است:

۱. فلسفه از علم جدید شکست خورده است.
۲. علت این شکست فلسفه روشن نشده است.

اما هوسرل در همین بند به طور کلی به این مطالب اشاره می‌کند:
۱. علم جدید در مراحل اولیه خود موفق بود. زیرا نشان داد که می‌تواند به برخی از مسائل بشری پاسخ دهد.

۲. علم جدید در مراحل بعدی خود با شکست مواجه شد. زیرا آشکار گشت که این علم نمی‌تواند به همه پرسش‌های بشری – از جمله پرسش‌های فلسفی – پاسخ گوید و همچنین میان قلمروهای شناخت بشری وحدت ایجاد نماید.

۳. علت این ناکامی علم ریشه در روش آن دارد. با وجود این، چنین مسئله ای هنوز به صورت جدی بررسی نشده است.

15. But it was otherwise in metaphysics, i.e., in problems considered philosophical in the special sense – though hopeful, apparently successful beginnings were not lacking even here. (p.10)

ترجمه فارسی (ص ۶۸): در غیر این صورت هر تفکری در زمره اصحاب و اندیشه‌های متافیزیکی قلمداد می‌شود و جمله پرسش‌ها و بررسی‌ها بدون نتیجه به حساب می‌آیند و باید به کناری گذاشته شوند.



ترجمه نگارنده: اما این امر در متافیزیک، یعنی در مسائلی که به معنای خاص فلسفی تلقی می‌شوند، به گونه‌ای دیگر بود - هرچند که حتی در این جا هم سرآغازهای امیدبخش و ظاهراً موفق آمیز کم نبود. بخشی از جمله ترجمه نشده است.

16. As for the positive sciences, at first they were untouchable. (p. 11)

این جمله ترجمه نشده است.

17. Yet the problem of a possible metaphysics also encompassed eo ipso that of the possibility of the factual sciences, since these had their relational meaning - that of truths merely for areas of what is - in the indivisible unity of philosophy. Can reason and that-which-is be separated, where reason, as knowing, determines what is? (p.11)

ترجمه فارسی (ص ۷۰): اما، پرسش از امکان متافیزیک تلویحاً به امکان وجود همه پرسش‌های عقل که پاسخ‌گویی به آنها در قالب علوم تحصلی ممکن نبود، معطوف می‌شد. با این حال مسئله متافیزیک، امکان علوم مربوط به امور واقع را دربر می‌گیرد. زیرا این علوم معنای عقلانی خویش را در وحدت غیرقابل تقسیمی با فلسفه جستجو می‌کنند. آیا می‌توان عقل و آن کدام است را از هم جدا کرد جایی که عقل به مثابه معرفت، چستی هر چیزی را تعیین می‌بخشد؟

ترجمه نگارنده: اما مسئله یک متافیزیک ممکن مستقلاً مسئله امکان علوم مربوط به امور واقع را نیز دربرمی‌گرفت. زیرا این علوم معنای همبسته خود - یعنی معنای حقایق صرفاً مربوط به قلمرو آنچه هست - را فقط در وحدت تجزیه‌ناپذیر فلسفه دارا بودند. آیا عقل و آنچه - که - هست می‌توانند جایی جدا شوند که عقل به مثابه شناسنده، آنچه که هست را تعیین می‌کند؟

در این مورد نکات بسیاری وجود دارد. نگارنده به برخی از آنها اشاره می‌کند:

۱. عبارت "relational meaning" به "معنای عقلانی" ترجمه شده است. روشن است که "relational"

به معنای "عقلانی" نیست، بلکه به معنای "نسبتی/همبسته" می‌باشد.

۲. عبارت "امکان وجود همه پرسش‌های عقل که پاسخ‌گویی به آنها در قالب علوم تحصلی ممکن نبود"

افزوده مترجم است.

۳. جمله نیاز به ویرایش دارد.

۴. عبارت "آیا می‌توان عقل و آن کدام است را از هم جدا کرد جایی که عقل به مثابه معرفت، چستی هر چیزی

را تعیین می‌بخشد؟" به چه معناست؟ در این جا مترجم به اشتباه، اصطلاح "that-which-is" را "آن کدام است" و اصطلاح "reason as knowing" را "عقل به مثابه معرفت" ترجمه کرده است. حال آنکه واژه نخست به معنای آنچه که هست [هستنده] و واژه دوم به معنای "عقل شناسا" می‌باشد.

18. Its form is not that of a smooth development, not that of a continual growth of lasting spiritual acquisitions or of a transformation of spiritual configurations - concepts, theories, systems - which can be explained by means of the accidental historical situations. (pp. 11-12)

ترجمه فارسی (ص ۷۰): یعنی تاریخ با صورت توسعه همواره پیش نمی‌رود و در حکم رشد پیوسته و دائم ذخائر روح ازلی یا دگرگونی [ضروری] پیکربندی‌های آن روح، اعم از مفهوم‌ها، نظریه‌ها، نظام‌ها، نیست. بلکه همه تحولات تاریخی در وضعیت‌های مختلف با نحوه‌های تصادفی قابل توضیح هستند

ترجمه نگارنده: این شکل [شکل فرایند تاریخی]، شکل یک تحول هموار، نوعی رشد مداوم دستاوردهای روحی ماندگار یا نوعی دگرگونی صورت‌بندی‌های روحی - مفاهیم، نظریه‌ها و نظام‌ها - که بتواند براساس موقعیت‌های تاریخی اتفاقی تبیین شود، نیست.

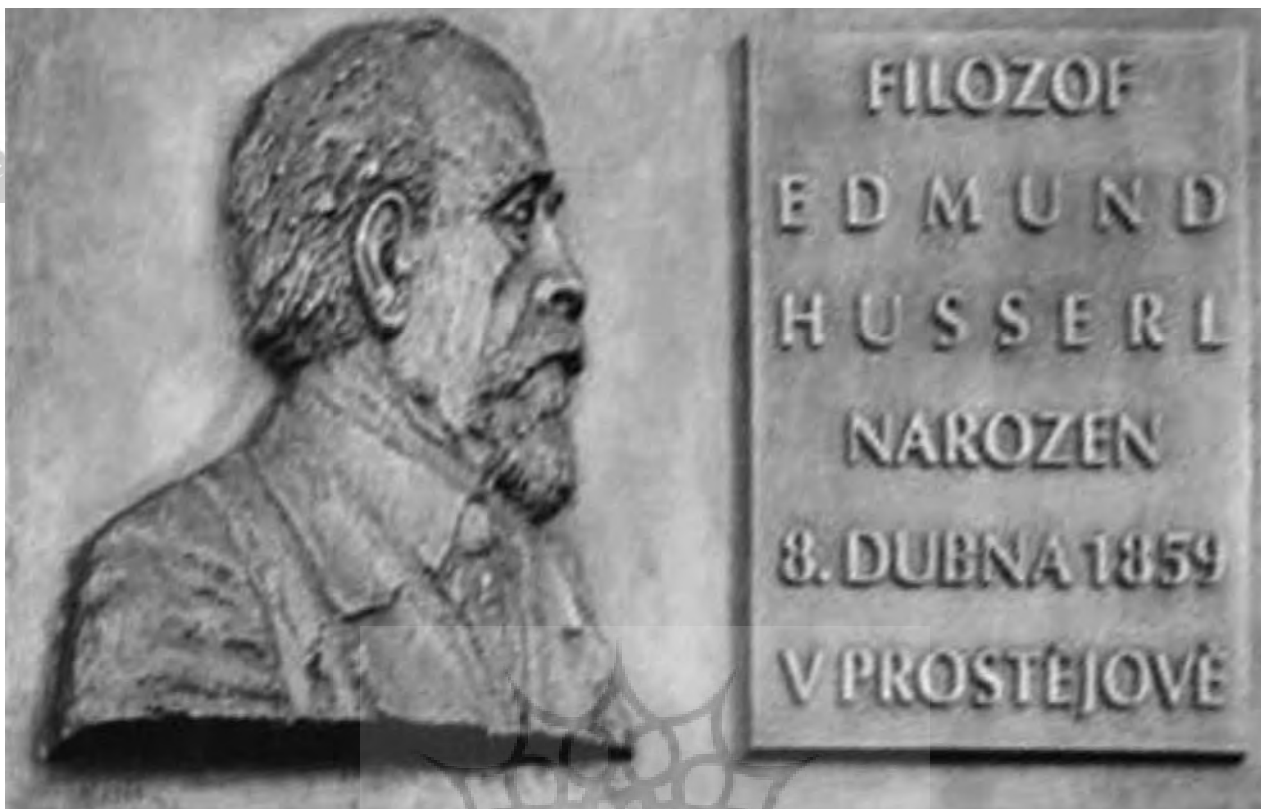
نکته: مترجم نه تنها جمله فوق را اشتباه ترجمه کرده، بلکه این جمله را برخلاف آنچه از جمله مستفاد می‌شود

معنا کرده است. تفسیر مترجم بدین گونه است:

۱. تاریخ با صورت توسعه هموار پیش نمی‌رود.

۲. همه تحولات تاریخی در وضعیت‌های مختلف با نحوه‌های تصادفی قابل توضیح هستند.

اما منظور جمله این است:



۱. صورتبندی‌های روحی ای – نظیر مفاهیم، نظریه‌ها و نظام‌ها – وجود دارند که فرد نمی‌تواند آنها را بر اساس موقعیت‌های تاریخی اتفاقی و عرضی تبیین کند.
۲. تاریخ و شکل فرایند تاریخی، نوعی از صورتبندی‌های فوق است، یعنی نمی‌توان آن را بر اساس موقعیت‌های تاریخی اتفاقی و عرضی تبیین کرد.

19. But this is to say that, ultimately all modern sciences drifted in a peculiar, increasingly puzzling crisis with regard to the meaning of their original founding as branches of philosophy, a meaning which they continued to bear within themselves. (p.12)

ترجمه فارسی (ص ۷۱): اما باید گفت سرانجام همه دانشمندان مدرن به داخل بحران فزاینده – سخت، دشوار – ویژه ای رانده شدند، با ملاحظه به این که علوم در معنای اولیه شان به عنوان شاخه‌های فلسفه بنیان نهاده شند. [اما] آنها بر آن شدند که علوم را مستقل ملاحظه کنند یعنی معنی علوم را به خود علوم حمل نمایند. ترجمه نگارنده: اما این بدین معناست که در نهایت، تمام علوم عصر جدید با توجه به معنای تأسیس آغازین خود به عنوان شاخه‌های فلسفه، معنایی که به طور پیوسته حامل آن بوده اند، در یک بحران عجیب و بحرانی که لحظه به لحظه به گونه ای اسرارآمیز [احساس می‌شود]، فرو رفته اند. نکته: مترجم، عبارت "all modern sciences" (یعنی تمام علوم عصر جدید) را معادل با "همه دانشمندان مدرن" گرفته است.

20. This is not just a matter of a special form of culture – "science" or "philosophy" – as one among others belonging to European mankind. (p.12)

ترجمه فارسی (ص ۷۱): این وضعیت صورت خاصی از فرهنگ "علم" یا "فلسفه" نیست؛ موضوعی است متعلق به بشریت اروپایی. ترجمه نگارنده: این امر فقط موضوعی مربوط به شکل خاصی از فرهنگ – "علم" یا "فلسفه" – به عنوان شکلی در ذیل سایر اشکال متعلق به انسان اروپایی نیست. جمله اشتباه ترجمه شده است.



21. It is reason which ultimately gives meaning to everything that is thought to be, all things, values, and ends – their meaning understood as their normative relatedness to what, since the beginnings of philosophy, is meant by the word “ truth” ... (p. 12)

ترجمه فارسی (ص ۷۲): عقل به طور نهایی به هر چیزی که اندیشه می‌شود معنا می‌بخشد. همه چیزها، ارزش‌ها و غایت‌ها از آن رو هستند که اندیشیده می‌شوند – معنی آنها از زمان آغاز فلسفه – معنی می‌داد به وسیله عبارت "حقیقت".

ترجمه نگارنده: عقل است که در نهایت، به هر چیزی که تصور می‌رود وجود دارد، به همه اشیا، ارزش‌ها و اهداف معنا می‌بخشد – یعنی معنای آنها به عنوان وابستگی هنجاری به آن چیزی درک می‌شود که از سرآغازهای فلسفه، از کلمه "حقیقت" منظور بوده است.

نکات: (۱) جمله احتیاج به ویرایش دارد (۲) جمله اشتباه ترجمه شده است: "عقل، به هر چیزی که تصور می‌رود وجود دارد، به همه اشیا، ارزش‌ها و اهداف معنا می‌بخشد" و نه اینکه "عقل، به هر چیزی که اندیشه می‌شود معنا می‌بخشد". زیرا جمله و فعل اصلی این است:

It is reason which ultimately gives meaning to everything "that is to be"

علاوه بر این، عبارت "همه چیزها، ارزش‌ها و غایت‌ها از آن رو هستند که اندیشیده می‌شوند" در تضاد کامل با تفکر هوسرل است.

22. As one feels already in the opposition of the ancient systems. (p.13)

این جمله ترجمه نشده است.

بخش دوم

در این بخش، نگارنده به صورت گذرا برخی از موارد ویرایشی را بیان می‌کند.

(۱) در قسمت مشخصات کتاب، عنوان آلمانی و انگلیسی اشتباه تایپ شده است.

(۲) در ص ۷، موارد ذیل وجود دارد:

(۲,۱) پدیدارشناسی یکبار به صورت "پدیدارشناسی" و با دیگر به صورت "پدیدارشناسی" تایپ شده است.

(۲,۲) هوسرل به صورت "هوسرل" تایپ شده است

(۳) در ص ۸: "هوسرل" دوباره تکرار می‌شود.

جملات ذیل نیاز به ویرایش دارند:

(۴) آیا علم چه چیزی دارد که درباره عقل و غیر عقل یا درباره ما انسانها به مثابه فاعل این آزادی بگوید؟

(۵) همیشه این چنین نبوده است که علوم به طور متقنی حقیقت را در معنایی عینی بنیان گذاری کند که بر علوم تحصیلی زمان ما در ملاحظه به روش غلبه کرد و به اساسی برای پشتیبانی و پذیرش گسترده فلسفه و اصالت تحصیلی منطقی بدل گردید.

(۶) به طور خاص پرسش‌های انسان هیچ وقت از قلمرو علم قدهن نشده است.

(۷) اگر انسان تاریخ خویش را موضوع پرسش قرار می‌دهد، به موجود معنا بخش یا عقل در تاریخ تبدیل می‌شود.

(۸) بنابراین تحصیل گرایی به طریقی گردن فلسفه را می‌زند.

(۹) اگر بشریت اروپایی با چنان روح با شکوهی، زنده و از سعادت برخوردار شد، به سبب این که عقیده الهام بخش فلسفه جهانی و مطلق را از دست داد، نتوانست حیات و سعادت خویش را که در سایه آن فلسفه کسب کرده بود حفظ می‌کند.

(۱۰) در این جا دوره ای طولانی با مضمون مبارزه ای آتشین مزاج برای روشنی بخشیدن و فهم متأملانه دلایل این شکست که ریشه در قرن‌های گذشته داشت، شروع شد و از هیوم تا به کانت و سپس تا به عصر ما گسترش یافت.

ارزیابی نهایی: با توجه به تمامی مواردی که در این مقاله برشمرده شد، می‌توان گفت که ترجمه فارسی کتاب بحران، دربردارنده اشکالات و نقایص بسیار عمده ای است که به هیچ وجه پذیرفتنی و قابل اغماض نیست. در نهایت می‌توان در یک جمله چنین گفت: ترجمه فارسی کتاب بحران، در بحرانی عمیق فرورفته است.